

تأثیر کیفیت برنامه درسی و خودتعیین‌گری دانشجویان بر نیت کارآفرینی: نقش

میانجی‌گرانه الهام کارآفرینانه و خلاقیت^۱

The Effects of Curriculum Quality and Students' Self-Determination on Entrepreneurial Intention

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۴/۲۴، تاریخ ارزیابی: ۱۴۰۲/۵/۲۸، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۸/۷

M.Khalili Khezrabadi, Dr.M.Hassani.

Dr.B.Mohajeran, Dr.R.Fathi

مهديه خلیلی خضرآبادی^۲، محمد حسنی^۳، بهناز

مهجران^۴، رضا فتحي^۵

Abstract: The aim of this study was investigating the effects of the quality of the undergraduate skill-based curriculum and psychological self-determination on the entrepreneurial intention of students, with regard to the mediating role of entrepreneurial inspiration and creativity. This research was applied and was conducted based on structural equation modeling. The research sample included 341 undergraduate students of Urmia University who were selected using stratified random sampling. Linan and Chen's entrepreneurial intention questionnaires, Mohammad Shafi, et al. scale for the curriculum quality, Gagné basic psychological needs satisfaction scale in examining self-determination, Souitaris, Zerbinati & Al-Laham questionnaire in entrepreneurial inspiration and DiLiello & Houghton questionnaire in entrepreneurial creativity and Zampetakis & Moustakis questionnaire in individual, family and academic creativity were used. The reliability and validity of the questionnaires were confirmed. The results indicated that the quality of the curriculum could not have a direct effect on the entrepreneurial intention. Self-determination had a positive relationship with entrepreneurial intention, and entrepreneurial inspiration and creativity had a mediating role in this relationship. Therefore, the skill-oriented curriculum of universities can be effective along with the knowledge of the individual and psychological foundations of entrepreneurship and the potential talents of students, with the aim of developing their cognitive and emotional motivations in increasing entrepreneurial intention.

Keywords: entrepreneurial intention, curriculum quality, entrepreneurial inspiration, entrepreneurial creativity

چکیده: پژوهش حاضر باهدف بررسی تاثیر کیفیت برنامه درسی

مهارت‌محور دوره کارشناسی و خودتعیین‌گری روان‌شناختی بر نیت کارآفرینی دانشجویان، با نقش میانجی الهام کارآفرینانه و خلاقیت انجام شد. پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. ۳۴۱ نفر از دانشجویان کارشناسی دانشگاه ارومیه در سه دانشکده به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به عنوان نمونه در پژوهش شرکت داشتند. از پرسش‌نامه‌های نیت کارآفرینی لینان و چن، مقیاس محمدشافی، نیستانی، میرشاه‌جعفری و تقوایی برای کیفیت برنامه درسی، مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی گانیه در بررسی خودتعیین‌گری دانشجویان، پرسشنامه سویتاریس، زربیناتی و اللحام در الهام کارآفرینانه و پرسش‌نامه‌های استاندارد دلیلو و هاگتون در سنجش خلاقیت کارآفرینانه و زامپتاکیس و موستاکیس در خلاقیت فردی، خانوادگی و دانشگاهی استفاده شد. پایایی و روایی پرسشنامه‌های پژوهش تایید شد. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که کیفیت برنامه درسی نتوانست تأثیری مستقیم بر نیت کارآفرینی داشته باشد؛ بین خودتعیین‌گری با نیت کارآفرینی رابطه مثبت و معناداری برقرار بود و الهام کارآفرینانه و خلاقیت در این رابطه نقشی میانجی داشتند. لذا برنامه درسی مهارت‌محور دانشگاه‌ها می‌تواند در کنار آگاهی از پایه‌های فردی و روان‌شناختی کارآفرینی و استعداد‌های بالقوه دانشجویان، با هدف تأثیرگذاری بر انگیزه‌های شناختی و عاطفی ایشان در افزایش نیت کارآفرینی آنان، تأثیرگذار باشد.

کلمات کلیدی: الهام کارآفرینانه، برنامه درسی، خلاقیت، خودتعیین‌گری، نیت کارآفرینی

^۱ مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته مدیریت آموزش عالی دانشگاه سراسری ارومیه است.

^۲ دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

khalili.mahdieh@yahoo.com

^۳ استاد، گروه علوم تربیتی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول). m.hassani@urmia.ac.ir

^۴ دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. b.mohajeran@urmia.ac.ir

^۵ استادیار، پژوهشگاه مواد و انرژی، پژوهشکده انرژی، گروه محیط زیست و انرژی، کرج، ایران.

r.fathi@merc.ac.ir

مقدمه

در جهان امروز کارآفرینی از اهمیتی ویژه برخوردار است. در گذشته اعتقاد بر این بود که کارآفرینان با یک ویژگی ذاتی متولد می‌شوند و چه با دریافت آموزش و چه بدون آن، قادر خواهند بود که تبدیل به یک کارآفرین شوند (بچارد و گرگور، ۲۰۰۵)؛ با این وجود، به تدریج تاثیر آموزش در مولفه‌های کارآفرینانه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و فعالیت‌های آموزشی که قادر به ایجاد روحیات و ظرفیت‌های کارآفرینانه در دانشجویان جوان و کم‌تجربه باشند، از اهمیت بسیار برخوردار شد (تاتیلّا، ۲۰۱۰).

به اعتقاد پژوهشگران حوزه روان‌شناسی تصمیم فرد برای انجام عملی خاص، بهترین پیش‌بین احتمال وقوع آن رفتار در آینده است (نیلسن و همکاران، ۲۰۲۱) و بر همین اساس، نیت کارآفرینی^۱ که به عنوان " تصمیمی روشن و آگاهانه برای شروع یک فعالیت جدید" تعریف شده است (الیوت و همکاران، ۲۰۲۰)، می‌تواند اولین گام در تبدیل شدن فرد به یک کارآفرین باشد. دانشگاه‌ها نیز به عنوان مرجع اصلی تربیت نیروی انسانی متخصص، می‌توانند با ایفای نقش‌هایی فراتر از تولید و انتقال دانش، بکوشند تا دانشجویانی تربیت نمایند تا قادر باشند با ایفای نقش در بازار رقابت جهانی، بکوشند تا تحصیلات و آموخته‌های خود را به عرصه صنعت و اقتصاد کشور پیوند زنند (یمنی دوزی سرخابی، ۱۳۹۱). با این وجود امروزه افزایش بیکاری در جوانان، به علت نداشتن مهارت‌های مورد نیاز در بازار کار، باعث افزایش انتقادات به عملکرد نظام آموزش عالی گردیده است (یائو، ۲۰۱۹). در عصر کنونی اعتقاد بر این است که دانشجویان باید به گونه‌ای پرورش یابند که قابلیت‌های کارآفرینانه در آن‌ها توسعه پیدا کند و با توجه به نقش دانشگاه‌ها در تربیت نیروی انسانی متخصص و آماده برای ورود به بازار کار، دور از ذهن نیست که این امر زمانی اتفاق می‌افتد که کارآفرینی در قالب و ساختار برنامه درسی^۲ دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی از جایگاهی شایسته برخوردار شود. دستیابی به یک برنامه درسی یکپارچه در بین رشته‌های گوناگون، اکنون به عنوان موتوری برای ایجاد فرصت‌های شغلی به‌ویژه در میان جوانان در کشورهای مختلف در نظر گرفته می‌شود (سنتوزا، رشید، هیزم و همکاران، ۲۰۱۷) و بنابر تعاریف ارائه شده از کیفیت^۳ نیز، کیفیت ادراک شده از دوره‌های دانشگاهی یا ارزیابی از برنامه درسی، دربردارنده درک دانشجویان از کیفیت تدریس، تکنیک‌های ارزیابی و حجم کاری می‌شود

1. Béchard & Grégoire,

2. Taatila

3. Nielsen et al

4. Entrepreneurial intentions

5^d Elliott et al

6. Yao

7. Curriculum Quality

8. Sentosa, Rashid, Hizam et al.

9. Quality

(گریس، ویون، بادی و همکاران؛ ۲۰۱۲). ابراهیم و سوفانی^۲ (۲۰۰۲) نیز معتقدند که برنامه‌های درسی باید بر برخی شایستگی‌ها مانند استقلال، ابتکار، خلاقیت و ریسک‌پذیری در فراگیران تاکید داشته باشند.

در این بین برنامه درسی، به عنوان قلب نظام آموزشی، ابزاری برای تحقق اهداف نظام آموزش عالی شناخته می‌شود (ربولو و ایوارز بیدل،^۳ ۲۰۰۴) و هدف از ارزیابی کیفیت برنامه درسی شناسایی میزان تناسب ابعاد و عناصر آن با اهداف و وظایف موسسات آموزشی و میزان پاسخگویی این برنامه به نیازهای در حال تغییر جامعه و بازار کار است (ترکزاده و همکاران، ۲۰۱۶). در همین راستا، ماومک^۴ (۲۰۱۳) بر ایجاد نوآوری در برنامه درسی آموزش‌های مهارتی و فنی و حرفه‌ای از طریق ادغام آموزش‌های کارآفرینانه در این برنامه‌ها تاکید می‌کند که ویژگی و هدف اصلی این آموزش‌ها پرورش افرادی متکی بر خود است. او معتقد است که اقتصاد کشورهای می‌تواند به سمت توسعه پایدار در حرکت باشد که قادر باشند آنچه را که نیاز دارند تولید کرده و محصولات خود را به دیگران نیز عرضه کنند. برخی مطالعات نیز به بررسی تاثیر عناصر و مولفه‌های موجود در کیفیت و برنامه درسی دانشگاه‌ها با مسائل کارآفرینانه پرداخته‌اند (محبوبی و همکاران، ۲۰۱۷؛ رایدلی و همکاران؛^۵ ۲۰۱۷؛ منوری فرد و همکاران، ۲۰۱۹؛ براون و همکاران؛^۶ ۲۰۲۲؛ اقبال و همکاران؛^۷ ۲۰۲۲؛ دانگ؛^۸ ۲۰۲۳؛ اورکو؛^۹ ۲۰۲۳). به عنوان مثال محمد شفیع و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای با هدف ارزیابی کیفیت برنامه درسی مهارت‌محور، دریافتند که عناصر برنامه درسی دانشگاه باید با توجه به اهداف مهارت‌محوری و اشتغال‌زایی تدوین و جهت‌گیری جدی‌تری به ایجاد شایستگی‌های لازم در زمینه‌های عمومی و تخصصی دانشجویان داشته باشند تا بتوانند پاسخگوی نیازهای دنیای کار باشند. به اعتقاد این پژوهشگران، باید برنامه‌های درسی مورد بازنگری قرار گرفته و تا حد امکان بر مبنای مهارت-محوری و اشتغال‌زایی تدوین شوند. سوختانلو (۲۰۱۵) نیز این‌چنین ابراز می‌کند که حاکمیت دیدگاه‌های غالب سنتی تدریس و آموزش در دانشگاه‌ها که مبتنی بر الگوهای پیش‌سازمان‌یافته معلم‌مدار و آموزش‌گر محور هستند، همچنان بر کاربست روش‌های سنتی سرمشق‌گیری کلاسیک در انجام فعالیت‌ها و تکالیف تاکید داشته و با محتوایی غیرکارآفرینانه و تکیه بر مباحث نظری، تناسبی با پرورش قابلیت‌ها و روحیات کارآفرینی دانشجویان ندارند، لذا این پژوهشگر

1. Grace, Weaven, Bodey, Ross & Weaven

2. Ibrahim & Soufani

3. Rebollo & Ivars Baidal

4. Moemeke

5. Ridley et al

6. Brown et al

7. Iqbal et al

8. Duong

9. Oreku

تاکید می‌کند که با توجه به محتوای عمومی دوره‌های کارآفرینی در دانشگاه‌ها، بهتر است محتوای این دوره‌ها با محتوای دروس تخصصی دانشجویان مرتبط شود. ژوبیدی، روحدی و کوداما^۱ (۲۰۲۳) نیز به مطالعه تاثیر برنامه درسی در افزایش شایستگی‌های کارآفرینی و شغلی دانشجویان پرداختند و دریافتند که شش شایستگی اصلی و پایه کارآفرینانه برای برنامه درسی شامل شناسایی فرصت‌های تجاری و بهره‌برداری از آن، اجرای فعالیت‌های مدیریتی، مدیریت منابع انسانی، اجرای فعالیت‌های تجاری و بازاریابی، اجرای مدیریت مالی و بالفعل کردن نگرش‌هاست و بهره‌مندی از چنین شایستگی‌هایی در برنامه درسی را از اهم موضوعات یاری‌رسان در رفع بیکاری جوانان دانستند.

از دیگرسو، از دیدگاه نظریات انگیزشی^۲، وجود انگیزه برای کارآفرینی، واقعیتی کلیدی و تاثیرگذار در افزایش نیت کارآفرینانه محسوب می‌شود (سیواراجه و آپوتان^۳، ۲۰۱۳). نظریه خودتعیین‌گری^۴ ارائه شده توسط دسی و رایان^۵، به طور ویژه بر رفتار ارادی فرد تأکید دارد و فرض را بر آن نهاده که انسان به طور فعالانه، با تمایلاتی ذاتی و عمیق تکامل یافته و در جهت ترقی و رشد روان‌شناختی حرکت می‌کند. این عوامل رشدانگیز در نظریه خودتعیین‌گری به عنوان نیازهای اساسی روان‌شناختی^۶ تعریف شده‌اند که شامل نیاز به خودمختاری^۷، شایستگی^۸ و ارتباط^۹ می‌شوند (دسی و رایان، ۲۰۰۰). نیاز به شایستگی اشاره به موفقیت فرد در درگیری بهینه در انجام وظایف خود و دستیابی به نتایج مورد نظر دارد و مبتنی بر توانایی‌های فردی اوست. نیاز به خودمختاری دربردارنده تجربه انتخاب فردی و تمایل فرد به شروع‌کننده بودن در اقدامات خود است و نیاز به ارتباط به احساسی توأم با احترام متقابل، مراقبت و اعتماد به کسانی دارد که برای فرد اهمیت دارند (رایان و دسی، ۲۰۱۷). برخی مطالعات به بررسی مولفه‌های موجود در نظریه خودتعیین‌گری در ارتباط با مسائل کارآفرینانه پرداخته‌اند (الجوباری و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۹؛ لو و همکاران^{۱۱}، ۲۰۲۱؛ بورگر و کلینرت^{۱۲}، ۲۰۲۱؛ آتالای و تانوا^{۱۳}، ۲۰۲۲؛

^۱. Djubaedi, Rohadi, & Kodama

^۲. motivational

^۳ Sivarajah & Achchuthan

^۴ Self-Determination Theory

^۵. Deci & Ryan

^۶. Basic Psychological Needs

^۷ Autonomy

^۸ Competence

^۹ Connection

^{۱۰}. Al-Jubari et al

^{۱۱}. Lu et al

^{۱۲} Bürger & Kleinert

^{۱۳} Atalay & Tanova

سائولا و همکاران^۱، ۲۰۲۳). به عنوان مثال الجوباری (۲۰۱۹) با هدف دستیابی به درک عمیق‌تر از فرآیندهای انگیزشی دخیل در رفتار کارآفرینانه، به بررسی نقش ارضای نیازهای بنیادین روان-شناختی به عنوان مولفه‌های نظریه خودتعیین‌گری در شکل‌گیری نگرش و نیات دانشجویان در حوزه کارآفرینی پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی، می‌تواند تأثیری غیرمستقیم بر افزایش نیت کارآفرینی داشته باشند.

همچنین از دیدگاه نظریات شناختی-اجتماعی در زمینه کارآفرینی، رویدادها یا ورودی‌های الهام‌بخش در کارآفرینی می‌توانند به عنوان عاملی زمینه‌ای، تأثیری مستقیم بر فرآیند تصمیم‌گیری شغلی داشته باشند (وارتیوارا و همکاران^۲، ۲۰۱۹) و از همین‌رو، برخی به اهمیت الهام کارآفرینانه^۳ به عنوان بخش انگیزشی دیگری در کارآفرینی پرداخته‌اند. در روان‌شناسی و از دیدگاه اولینیک و همکاران^۴ (۲۰۱۴)، الهام یک حالت انگیزشی است که افراد را وادار می‌کند تا ایده‌ها را به ثمر برسانند و این شکل از مفهوم الهام به ویژه با مفهوم کارآفرینی مرتبط است. الهام کارآفرینانه به صورت "تغییری در قلبها و ذهنها که توسط رویدادها یا ورودی‌های برنامه‌برانگیخته می‌شود و به سمت هدف کارآفرین شدن هدایت می‌شود" تعریف می‌شود که این تعریف شامل یک محرک به عنوان آموزش ناشی از برنامه‌های درسی یا فوق برنامه نیز می‌شود (سوئیتاریس و همکاران^۵؛ ۲۰۰۷). مطالعاتی در مورد نقش الهام در نیت کارآفرینی (اوجیک و اومر^۶؛ ۲۰۱۶؛ احمد و همکاران^۷؛ ۲۰۲۰؛ انگوئن و همکاران^۸؛ ۲۰۲۱؛ ون اوجیک و همکاران^۹؛ ۲۰۲۱؛ ویوو و نارمادیتیا^{۱۰}؛ ۲۰۲۲) انجام گرفته است. سوئیتاریس و همکاران (۲۰۰۷) الهام را به عنوان عنصری در نظر گرفتند که با افزایش نیت کارآفرینی در دانشجویان به موفقیت برنامه‌های کارآفرینی کمک می‌کند و معتقدند که دانشگاه‌هایی که قصد دارند تا اثربخشی برنامه‌های خود را ارزیابی کنند، باید نه تنها میزان یادگیری دانشجویان در زمینه کارآفرینی یا رضایت آن‌ها از این دوره‌ها را بسنجند، بلکه باید میزان الهام بخشی این برنامه‌ها را نیز بررسی نمایند؛ چرا که اغلب چیزی بیش از اطلاعات، پیشینه، شخصیت یا شناخت وجود دارد و آن این است که آیا فرد عاشق کارآفرینی است یا صرفاً به ارزیابی منطقی این فرایند از طریق ترجیحات شخصی خود می‌پردازد؟ الهام یک نیروی قدرتمند است که می‌تواند کارآفرینان فردی و محیط اطرافشان را

1. Saoula et al

2. Wartiovaara et al

3. Entrepreneurial Inspiration

4. Oleynick et al

5. Souitaris et al

6. Ewijk, & Aomar

7. Ahmed et al

8. Nguyen et al

9. Van Ewijk et al

10. Wibowo & Narmaditya

متحول کند و تحقیقات گسترده نشان می‌دهد که الهام، نقشی اساسی در فرآیند خلاقیت دارد (ترش و همکاران؛ ۲۰۱۰؛ اولینیک و همکاران؛ ۲۰۱۴).

خلاقیت^۳ نیز یک توانایی شناختی برای ساختن یک ایده با الهام از احساسات است (پتک و گولتز؛ ۲۰۲۱) و همان‌طور که از اقتضات عصر جدید برمی‌آید، در دوران فراصنعتی، خلاقیت نه تنها یک ضرورت، بلکه شرط بقاست. در نظریات و تحقیقات کارآفرینی نیز، بسیاری از محققان رابطه بین خلاقیت و مولفه‌های کارآفرینانه از جمله نیت کارآفرینی را مطالعه نموده‌اند (راهایونینگسه؛ ۲۰۲۲؛ کومار و شوکلا؛ ۲۰۲۲، وانگ و همکاران؛ ۲۰۲۲؛ مهدی و سینگ؛ ۲۰۲۳؛ دیواتی و همکاران؛ ۲۰۲۳؛ مارتینز و همکاران؛ ۲۰۲۳). به اعتقاد این گروه از پژوهشگران، افراد خلاق معمولاً افرادی کارآفرین هستند و خلاقیت یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های کارآفرینان در نظر گرفته می‌شود (عید و همکاران؛ ۲۰۱۹). منطق اصلی در زمینه اهمیت خلاقیت در کارآفرینی این است که دنیای تجارت با عدم اطمینان و رقابت همراه است و کارآفرینانی که خلاق و مبتکر هستند می‌توانند بر رقبای تجاری خود غلبه کنند (زامپتاکیس و همکاران؛ ۲۰۱۱). فولادی و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی تاثیرگذاری و کاربرد برنامه درسی بر افزایش خلاقیت در نظام آموزشی پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که ابعاد مختلف برنامه درسی توانسته بودند بر بهبود خلاقیت دانش‌آموزان موثر باشند. فریرا و همکاران^۴ (۲۰۲۳) اما در مطالعه‌ای با هدف بررسی رابطه بین اشتیاق، خودکارآمدی و خلاقیت با نیت کارآفرینی در دانشجویان، وجود رابطه بین خلاقیت و نیت کارآفرینی را تایید نکردند و به این نتیجه دست یافتند که سطح تحصیلات بر نیت کارآفرینی مردان تأثیر می‌گذارد و خلاقیت تنها زمانی بر نیت کارآفرینی تأثیر می‌گذارد که با اشتیاق کارآفرینی میانجی‌گری شود. انگوین و دو^۵ (۲۰۲۳) نیز در پژوهشی با هدف بررسی روابط ساختاری بین روش‌های آموزشی، خلاقیت و نیت کارآفرینی،

^۱. Thrash et al

^۲. Oleynick et al

^۳. Entrepreneurial Creativity

^۴. Pathak & Goltz

^۵. Rahayuningsih

^۶. Kumar & Shukla

^۷. Wang et al

^۸. Mehdi & Singh

^۹. Diawati et al

^{۱۰}. Martins et al

^{۱۱}. Eid et al

^{۱۲}. Zampetakis et al

^{۱۳}. Ferreira et al

^{۱۴}. Nguyen & Do

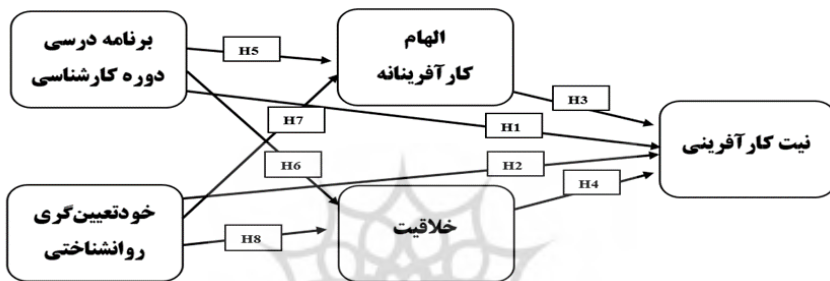
به این نتیجه دست یافتند که روش‌های یادگیری تلفیقی و فعال با کار، بر خلاقیت ادراک شده فردی تأثیر مثبت داشته‌اند و خلاقیت نیز بر گسترش نیت کارآفرینی دانشجویان موثر بوده است. همچنین این محققین بر این عقیده بودند که الهام از کارآفرینی نیز قادر است پیوند بین خلاقیت فردی و نیت کارآفرینی را تعدیل کند. به طور خاص، این مطالعه روش‌های تدریس تجربی را به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌هایی مهم برای توسعه قابلیت خلاقیت در دانش‌جویان تأیید کرده و نقش تعدیل‌کننده الهامات کارآفرینی در رابطه بین خلاقیت درک شده و نیت کارآفرینی را تأیید می‌کند.

به طور خلاصه اخیراً بسیاری از مطالعات علمی منتشر شده، این چالش مهم و اساسی را در همسویی برنامه درسی برای پر کردن شکاف بین مهارت‌های به دست آمده در دانشگاه‌ها و مهارت‌های مربوطه که در بازار کار اجباری هستند، برجسته کرده‌اند (زیمر و کیپر، ۲۰۲۱). این موضوع بر مفهوم گسترده آموزش مهارت‌های کارآفرینی تأکید می‌کند، که فراتر از آماده‌سازی دانشجویان برای راه‌اندازی مشاغل خود بوده و در تلاش است تا آنها را با توانایی‌های اساسی مورد نیاز برای پیشرفت در بازار کار پویا ارتقا دهد (آلامایوا، کیمولی و مودیس، ۲۰۲۳). مبتنی بر مسائل مطرح شده؛ کارآفرینی می‌تواند از سوی دولت به عنوان یکی از ابزارهای اصلی تبدیل اقتصاد مبتنی بر نفت به اقتصادی دانش‌بنیان در نظر گرفته شود و اهمیت برنامه درسی و آموزش‌ها و سیاست‌های اتخاذشده در نظام آموزش عالی در پرورش نسلی کارآفرین بر کسی پوشیده نیست؛ از همین رو پژوهش حاضر به بررسی نقش میانجی الهام کارآفرینانه و خلاقیت در رابطه بین کیفیت برنامه درسی دانشگاه و خودتعیین‌گری روان‌شناختی با نیت کارآفرینی دانشجویان در دانشگاه ارومیه معطوف شده است. این مطالعه می‌کوشد تا سهم هر یک از عوامل انگیزشی و برنامه درسی دانشگاهی در افزایش نیت کارآفرینانه دانشجویان را مد نظر قرار دهد و تأثیرات حاصل از برنامه درسی دانشگاهی را از تأثیر سایر عوامل زمینه‌ای و فردی متمایز سازد و راهنمای موسسات آموزش عالی جهت فهم عوامل بهینه در توان کارآفرین پروری آنها گردد. در همین راستا و با هدف کاهش شکاف مطالعاتی موجود در زمینه تأثیر آموزش‌های رسمی بر نیت کارآفرینی قشر دانشجو در تلاش برای دستیابی به پاسخی برای سوالاتی از این قسم خواهیم بود: آیا ارائه هر شکلی از آموزش و هر کیفیتی از برنامه درسی از دیدگاه دانشجویان قادر خواهد بود تا باعث ایجاد تغییرات مثبت بر نیت کارآفرینی در آن‌ها باشد؟ تأثیر عوامل فردی و روان‌شناختی از جمله مولفه‌های انگیزشی و ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی مطرح در نظریه خودتعیین‌گری در گسترش این نیت تا چه میزان می‌تواند باشد؟ آیا الهام کارآفرینانه به عنوان عاملی انگیزشی و تأثیرگذار در بهبود اثربخشی آموزش‌های ارائه شده می‌تواند به عنوان واسطی بین این

1. Zimmer & Keiper

2. Olumuyiwa Kimweli & Modise

متغيرها با نيت کارآفرینانه قلمداد شود؟ خلاقیت‌های فردی، خانوادگی، دانشگاهی و کارآفرینانه تا چه میزان نقشی تعیین‌کننده در تمایل افراد به کارآفرین شدن ایفا می‌کنند؟ نتایج این پژوهش می‌تواند به توسعه دانش نظری در زمینه عوامل موثر بر نيت کارآفرینانه بیانجامد. این مطالعه پژوهش‌های نظری را غنی می‌سازد و ارزش ارجاعی خاصی برای مریبان، محققان و سیاست‌گذاران حوزه کارآفرینی خواهد داشت. نتایج این مطالعه قادر خواهد بود بر دانش نظری و زمینه‌ساز توسعه کارآفرینی و تبعات مثبت آن در گسترش فعالیت‌های کارآفرینانه یاری رساند. این مقاله با رویکردی بین رشته‌ای و با آزمون مدلی فرضی بر اساس پژوهش‌های پیشین شکل گرفته است و مبنی بر پیشینه مطرح شده، مدل مفهومی فرضی پژوهش حاضر عبارت است از:



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و با توجه روش گردآوری داده‌ها، پژوهشی پیمایشی-توصیفی مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری است. مبتنی بر پیشینه نظری و پژوهشی و بر اساس مدل مفهومی مطرح شده، فرضیات مورد آزمون در این مطالعه، از این قرار است: فرضیه اصلی مطرح شده در این پژوهش، مبتنی بر مطالعه پیشینه نظری و پژوهشی، به قرار ذیل است:

الهام کارآفرینانه و خلاقیت در رابطه بین کیفیت برنامه درسی و خودتعیین‌گری روان‌شناختی با نیت کارآفرینی در دانشجویان نقش میانجی دارند.

فرضیات فرعی مطالعه نیز به قرار زیر ارائه می‌شود:

- فرضیات ۱ تا ۸: مطابق مدل مفهومی
- فرضیه ۹: الهام کارآفرینانه در رابطه بین کیفیت برنامه درسی دوره کارشناسی با نیت کارآفرینی نقش میانجی دارد.

- فرضیه ۱۰: خلاقیت در رابطه بین کیفیت برنامه درسی دوره کارشناسی با نیت کارآفرینی نقش میانجی دارد.
- فرضیه ۱۱: الهام کارآفرینانه در رابطه بین خودتعیین‌گری روانی دانشجویان با نیت کارآفرینی نقش میانجی دارد.
- فرضیه ۱۲: خلاقیت در رابطه بین خودتعیین‌گری روانی دانشجویان با نیت کارآفرینی نقش میانجی دارد.

جامعه پژوهش، دانشجویان مقطع کارشناسی دانشکده‌های کشاورزی، فنی و مهندسی و هنر، معماری و شهرسازی دانشگاه سراسری ارومیه در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱، به تعداد ۲۳۱۷ نفر بودند. با استناد به فرمول کوکران^۱ تعداد حداقل نمونه مورد نیاز برای پژوهش ۳۳۰ نفر برآورد شد و نهایتاً تعداد ۳۴۱ نفر از دانشجویان با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به عنوان نمونه در مطالعه شرکت داشتند که بیشتر از تعداد حداقل نمونه مورد نیاز برای پژوهش بود. لازم به ذکر است علت انتخاب این سه دانشکده اهمیت و بهایی بود که در آن‌ها به کارآفرینی و آموزش‌های مهارتی آینده دانشجویان داده می‌شد. برای سنجش متغیرهای پژوهش از پرسشنامه در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای استفاده شد: برای سنجش نیت کارآفرینانه از پرسشنامه ۶ گویه‌ای استاندارد نیت کارآفرینی (لینان و چن،^۲ ۲۰۰۹) استفاده شد که روایی این پرسشنامه در ایران در تحقیق مرادی، زالی و پرنیان (۲۰۱۵) توسط متخصصان تایید شده است و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۳ برآورد گردیده است. برای بررسی کیفیت برنامه درسی دانشجویان، از مقیاس ۵۰ گویه‌ای ساخته شده توسط محمدشفیع و همکاران (۲۰۲۰) با نه زیرمقیاس (اهداف برنامه درسی، محتوای برنامه درسی، راهبردهای یاددهی و یادگیری، فعالیت‌های یادگیرنده، تجهیزات و امکانات آموزشی، زمان آموزشی، فضای آموزشی، گروه‌بندی و ارزشیابی) استفاده شد که پایایی این پرسشنامه با آلفای کرونباخ ۰/۹۲ در مطالعه مذکور تایید شده است. برای بررسی میزان خودتعیین‌گری دانشجویان از مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی (گانیه،^۳ ۲۰۰۳) با ۲۱ گویه استفاده شد که ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی را در سطح عمومی مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهد و گویه‌های آن سه زیرمقیاس خودمختاری، شایستگی و ارتباط را می‌سنجد. ضرایب همبستگی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در مطالعه بشارت (۲۰۱۲) در دو نوبت با فاصله دو تا چهار هفته برای سنجش پایایی بازآزمایی محاسبه شد. این ضرایب برای زیرمقیاس‌های خودمختاری، شایستگی و ارتباط به ترتیب $I=0/77$ ، $I=0/73$ و $I=0/76$ در سطح $p < 0/001$ معنی‌دار بودند که نشانه پایایی بازآزمایی رضایت بخش مقیاس است. سطح الهام

1. cochran

2. Liñán & Chen

3. Gagné

کارآفرینانه با بهره‌گیری از پرسشنامه ۵ گویه‌ای طراحی شده توسط سوئی‌تاریس و همکاران (۲۰۰۷) سنجیده شد (آلفای کرونباخ = $0.823 < 0.70$) و نهایتاً برای بررسی میزان خلاقیت دانشجویان از پرسش‌نامه‌های ۶ گویه‌ای استاندارد استفاده شده در مطالعه دلیلو و هاگتون^۱ (۲۰۰۸) با آلفای ۰/۸۴ برای سنجش خلاقیت کارآفرینانه و نیز پرسش‌نامه استفاده شده در مطالعه زامپتاکیس و موستاکیس^۲ (۲۰۰۶) با استفاده از نه گویه استفاده شد که خلاقیت فردی، خانوادگی و دانشگاهی را می‌سنجد و پایایی آن در مطالعه شکیبیا، رجبیان غریب و حجازی (۱۳۹۴) برای خلاقیت فردی، ۰/۸۸، برای خلاقیت خانوادگی ۰/۷۶ و برای خلاقیت دانشگاهی ۰/۷۵ بوده است.

یافته‌ها

پایایی و روایی همگرای پرسشنامه‌ها و نتایج حاصل از بررسی شاخص نسبت خصیصه تک ارزشی به خصیصه چندارزشی (HTMT) بررسی و تایید و برای بررسی توصیفی داده‌ها نیز، میانگین، انحراف استاندارد و شاخص‌های چولگی و کشیدگی و نتیجه آزمون کیسر-مایر-اولکین^۳ (KMO) مطابق جداول ۱ و ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۱.

پایایی و روایی سازه، شاخص‌های توصیفی و KMO

KMO	چولگی	کشیدگی	انحراف استاندارد	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)	آلفای کرونباخ	
۰/۹۰	-۰/۶۵	-۰/۳۷	۶/۴۴	۲۰/۴۹	۰/۷۰۰	نیت کارآفرینی
۰/۹۷	-۰/۹۵	۰/۵۲	۳۷/۷۳	۱۲۶/۷۶	۰/۵۰۱	کیفیت برنامه درسی
۰/۹۵	-۰/۱۴	-۰/۸۵	۱۶/۶۹	۷۹/۵۹	۰/۵۰۳	خودتعیین‌گری روانی
۰/۷۱	۰/۱۱	-۰/۷۱	۴/۲۰	۱۹/۳۵	۰/۵۱۴	الهام کارآفرینی
۰/۹۲	-۰/۴۱	-۰/۰۸	۹/۵۴	۵۰/۷۲	۰/۵۰۰	خلاقیت

مطابق با داده‌های ارائه شده در جدول شماره ۱، ضرایب پایایی کلیه پرسشنامه‌های به کار رفته در پژوهش بالاتر از ۰/۷ و نتایج نشان‌گر پایایی مناسب ابزارهای مطالعه بوده است. همچنین میانگین واریانس استخراج شده یا روایی همگرای ابزارها نیز بالاتر از ۰/۵ و ابزارها از روایی مطلوب برخوردار بوده‌اند. شاخص‌های میانگین و انحراف معیار متغیرها نیز نشانگر پراکندگی مطلوب داده‌ها و مبتنی بر چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش، نتایج حاکی از تحقق فرض نرمالیتیه در

۱. DiLiello & Houghton

۲. Zampetakis & Moustakis

۳. Kaiser-Mayer-Olkin

تاثیر کیفیت برنامه درسی و خودتعیین‌گری...

پژوهش بوده است، توضیح آن که برای تحقق نرمال بودن داده‌ها، قدر مطلق چولگی و کشیدگی متغیرها نباید به ترتیب از ۳ و ۱۰ بیشتر باشد و نیز با توجه به ماهیت اکتشافی پژوهش که نیازمند به‌کارگیری رویکرد واریانس‌محور در تحلیل داده‌هاست، روش حداقل مربعات جزئی (PLS) در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفت.

همچنین نتایج حاصل از بررسی شاخص نسبت خصیصه تک ارزشی به خصیصه چندارزشی (HTMT) نیز به عنوان معیاری برای سنجش روایی و اگرایی مقیاس‌ها در جدول ۲ گزارش شده است که کلیه مقادیر ارائه شده زیر ۰/۹ و از روایی و اگرایی مطلوب برخوردار هستند.

جدول ۲.

شاخص خصیصه تک ارزشی به خصیصه چند ارزشی (HTMT)

برنامه	کیفیت درسی	نیت کارآفرینی	خودتعیین‌گری	خلاقیت	الهام کارآفرینی
الهام کارآفرینی					
خلاقیت				۰/۷۰۴	
خودتعیین‌گری			۰/۵۵۸	۰/۴۷۹	
نیت کارآفرینی			۰/۶۸۴	۰/۵۹۳	۰/۶۳۲
کیفیت درسی		۰/۴۹۴	۰/۶۶۹	۰/۵۰۴	۰/۴۱۸

در ادامه با توجه به قابلیت استناد روابط بین سازه‌ها با متغیرهای پنهان پرسشنامه‌ها به بررسی روابط متغیرها و آزمون فرضیات پژوهش می‌پردازیم؛ برای این منظور با بهره‌گیری از دستور بوت‌استرپینگ در نرم افزار PLSsmart3 نتایج ارائه شده در جداول ۳ و ۴ به دست آمده‌اند:

جدول ۳

آماره T و ضرایب تاثیر مستقیم متغیرها

مسیر مستقیم	آماره T	انحراف استاندارد (STDEV)	ضرائب مسیر	F2	نتیجه آزمون فرضیه
کیفیت برنامه درسی --> نیت کارآفرینی	۰/۲۹۶	۰/۰۵۲	۰/۰۱۵	۰/۰۰	عدم تایید فرضیه
خودتعیین‌گری --> نیت کارآفرینی	۹/۰۴۹**	۰/۰۴۹	۰/۴۳۹	۰/۲۰	تایید فرضیه
الهام کارآفرینانه --> نیت کارآفرینی	۵/۳۴۴**	۰/۰۴۹	۰/۲۵۹	۰/۰۸	تایید فرضیه
خلاقیت --> نیت کارآفرینی	۲/۷۵۵**	۰/۰۵۴	۰/۱۴۹	۰/۰۲	تایید فرضیه

¹. Partial Least Squares

نتیجه آزمون فرضیه	F2	ضرائب مسير	انحراف استاندارد (STDEV)	آماره T	مسير مستقيم	
تاييد فرضيه	۰/۲۰	۰/۱۶۶	۰/۰۵۸	۲/۸۶۶**	کیفیت برنامه درسی --> الهام کارآفرینانه	فرضیه ۵
تاييد فرضيه	۰/۰۵	۰/۲۶۲	۰/۰۵۳	۴/۹۸۲**	کیفیت برنامه درسی --> خلاقیت	فرضیه ۶
تاييد فرضيه	۰/۰۷	۰/۳۲۵	۰/۰۶۶	۴/۹۴۷**	خودتعیین گری --> الهام کارآفرینانه	فرضیه ۷
تاييد فرضيه	۰/۱۱	۰/۳۶۹	۰/۰۵۸	۶/۳۹۲**	خودتعیین گری --> خلاقیت	فرضیه ۸

**p < 0.01 *p < 0.05

مطابق با جدول ۳، مشاهده می شود که فرضیه ۱ مبنی بر تاثیر کیفیت برنامه درسی بر نیت کارآفرینی با آماره T به مقدار ۰/۲۹۶ و کمتر از ۱/۹۶، معنادار نبوده و تایید نمی شود و بهبود در کیفیت برنامه درسی قادر نبوده است به شکلی مستقیم بر افزایش نیت کارآفرینی در دانشجویان موثر باشد؛ با این وجود، سایر فرضیات ۲ تا ۸ با مقدار T بالاتر از ۲/۵۸ همگی در سطح اطمینان ۰/۰۱ تایید شده و معنادار هستند. همچنین شاخص اندازه اثر (F2) نیز بیانگر شدت رابطه میان سازه های مدل و سهم هر متغیر برون زای پیش بین در مقدار تبیین شده است. مطابق با نظر کوهن^۱ (۱۹۸۸) در صورتی که اندازه این شاخص، مقداری بین ۰/۰۲ تا ۰/۱۵ باشد، قدرت پیش بینی مدل ضعیف، اگر بین ۰/۱۵ تا ۰/۳۵ باشد، قدرت پیش بینی مدل متوسط و اگر بیش از ۰/۳۵ باشد، مدل از قدرت پیش بینی بالایی برخوردار است. مطابق با اطلاعات جدول مقادیر F2 پژوهش از قدرت پیش بینی ضعیف و متوسطی برخوردار هستند.

جدول ۴

آماره T و ضرایب تاثیر غیرمستقیم (نقش میانجی) متغیرها

نتیجه آزمون فرضیه	ضرائب مسير	انحراف استاندارد (STDEV)	آماره T	مسير غیرمستقيم	
تاييد فرضيه	۰/۰۴۳	۰/۰۱۸	۲/۳۹۹*	کیفیت برنامه درسی --> الهام کارآفرینانه --> نیت کارآفرینی	فرضیه ۹
تاييد فرضيه	۰/۰۳۹	۰/۰۱۶	۲/۴۳۳*	کیفیت برنامه درسی --> خلاقیت --> نیت کارآفرینی	فرضیه ۱۰
تاييد فرضيه	۰/۰۸۴	۰/۰۲۲	۳/۸۲۹**	خودتعیین گری --> الهام کارآفرینانه --> نیت کارآفرینی	فرضیه ۱۱
تاييد فرضيه	۰/۰۵۵	۰/۰۲۲	۲/۴۹۴*	خودتعیین گری --> خلاقیت --> نیت کارآفرینی	فرضیه ۱۲

**p < 0.01 *p < 0.05

1. Cohen

تاثیر کیفیت برنامه درسی و خودتعیین‌گری...

مطابق با جدول ۴، مشاهده می‌شود که فرضیات ۹،۱۰ و ۱۲ در خصوص تاثیر غیرمستقیم متغیرهای میانجی در رابطه بین متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک، همگی با مقدار T بالاتر از ۱/۹۶ همگی در سطح اطمینان ۰/۰۵ و فرضیه شماره ۱۱ با مقدار T بالاتر از ۲/۵۸ و در سطح اطمینان ۰/۰۱ معنادار بوده و تایید می‌شوند.

در ادامه معیارهای R2 در بررسی تاثیر یک متغیر برون‌زا و یک متغیر درون‌زا، معیار Q2 در سنجش قدرت پیش‌بینی، معیار افزونگی (Redundancy) و میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای پنهان (Communality) با هدف سنجش کیفیت مدل ساختاری و نیز معیار نیکویی برازش (GOF)^۱، با هدف بررسی برازش مدل کلی بررسی شده‌اند.

جدول ۵.

خلاصه آزمون برازش مدل

متغیرها	R2	معیار اشتراک Q2	معیار افزونگی
نیت کارآفرینی	۰/۵۱۳	۰/۵۵۵	۰/۳۳۲
کیفیت برنامه درسی	-	۰/۴۵۰	-
خودتعیین‌گری	-	۰/۴۳۰	-
الهام کارآفرینانه	۰/۲۰۳	۰/۲۸۶	۰/۰۹۰
خلاقیت	۰/۳۲۹	۰/۳۷۳	۰/۱۳۶
میانگین	۰/۳۴۸	۰/۴۱۸	۰/۱۸۶
نیکویی برازش (GOF)	۰/۳۸		

لازم به ذکر است که در مدل ارائه شده، مقدار R² بالاتر از ۰/۳۳ و مقدار معیار اشتراک، مقداری مثبت و مقدار GOF بالاتر از ۰/۳۶ می‌باشد. معیار استون- گیزر^۲ یا شاخص معیار اشتراک یا Q2، اشاره به قدرت پیش‌بینی مدل در سازه‌های درون‌زا دارد و با روش بلایند فولدینگ^۳ محاسبه می‌شود. اگر مقدار این شاخص، مقداری مثبت باشد، نشان از برازش مطلوب و قدرت پیش‌بینی مدل دارد (هنسلر، رینگل و سارستد^۴، ۲۰۱۵). شاخص GOF، برازش مدل کلی را از دو رویکرد اندازه‌گیری و ساختاری ارزیابی می‌کند و فرمول محاسبه معیار نیکویی برازش (هنسلر و سارستد^۵، ۲۰۱۳):

$$GOF = \sqrt{R^2 * COMMUNALITY}$$

۱. Goodness of Fit (GOF)

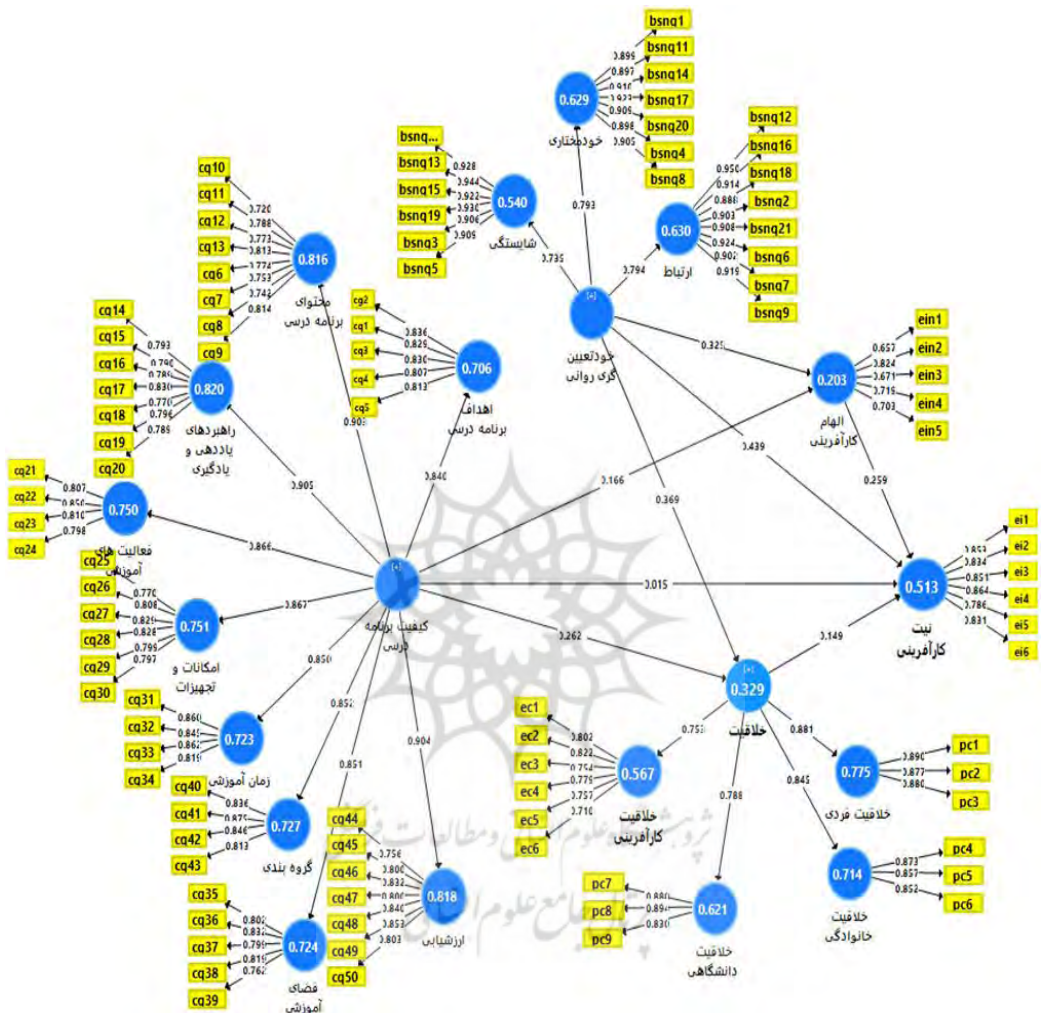
۲. Stone-Geisser

۳. Blindfolding

۴. Henseler, Ringle & Sarstedt

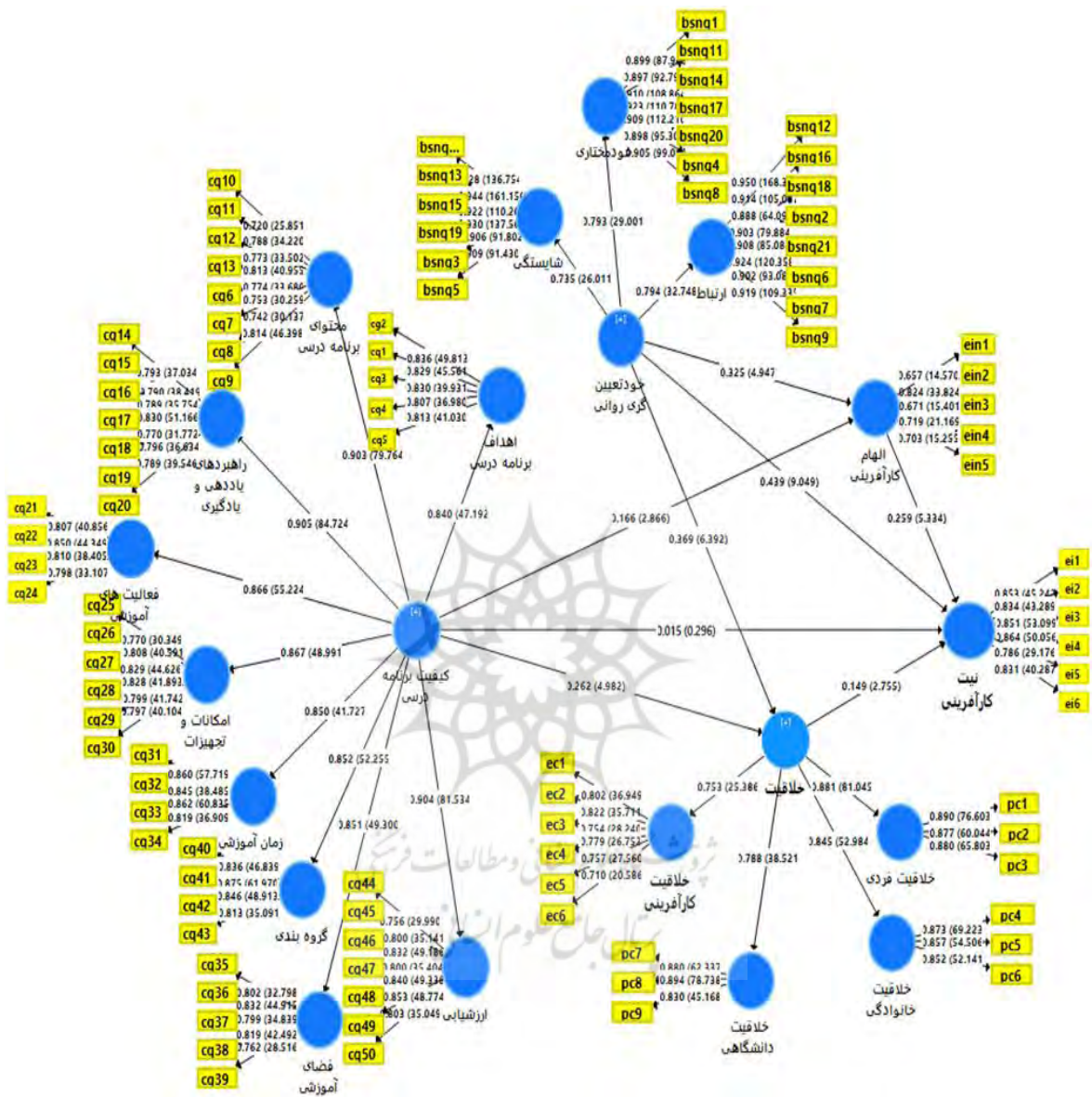
۵. Henseler & Sarstedt

می باشد. نتایج برآورد مدل برای متغیرهای تحقیق نیز در اشکال ۲ و ۳ خلاصه شده است:



شکل ۲. مدل معادلات ساختاری در حالت تخمین ضرائب تبیین (روش حداقل مربعات جزئی)

تاثیر کیفیت برنامه درسی و خودتعیین‌گری...



شکل ۳. مدل معادلات ساختاری در حالت تخمین ضرائب و معناداری ضرائب مسیر (روش بوت استرایپینگ)

بحث و نتیجه‌گیری

در توصیف مدل‌های ارائه‌شده در اشکال ۲ و ۳ و مبتنی بر نتایج حاصل از پژوهش می‌توان گفت بین کیفیت برنامه درسی مهارت‌محور در دوره کارشناسی با نیت کارآفرینانه دانشجویان ارتباطی مستقیم و معنادار برقرار نیست، در حالی که بین میزان خودتعیین‌گری دانشجویان که ناشی از میزان ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی در ایشان بوده‌است، با نیت کارآفرینی ارتباطی مستقیم و معنادار وجود دارد. الهام کارآفرینانه و خلاقیت به شکلی مستقیم با افزایش نیت کارآفرینانه در دانشجویان مرتبط هستند و نیز کیفیت برنامه درسی مهارتی و خودتعیین‌گری نیز می‌توانند از طریق تاثیرگذاری بر الهام کارآفرینانه و خلاقیت دانشجویان به عنوان میانجی بر نیت کارآفرینانه موثر قرار گیرند. نتایج پژوهش همراستا با مطالعات قبلی بود که بیان می‌کردند مولفه‌های مختلف کارآفرینی از جمله نیت کارآفرینی تحت تاثیر کیفیت برنامه درسی (سوختانلو، ۲۰۱۵؛ محبوبی و همکاران، ۲۰۱۷؛ رایدلی و همکاران، ۲۰۱۷؛ منوری فرد و همکاران، ۲۰۱۹؛ براون و همکاران، ۲۰۲۲؛ اقبال و همکاران، ۲۰۲۲؛ دانگ، ۲۹۰۲۳؛ اورکو، ۲۰۲۳؛ ژوبیدی و همکاران، ۲۰۲۳)، خودتعیین‌گری روان‌شناختی (الجوباری، ۲۰۱۹؛ الجوباری و همکاران، ۲۰۱۹؛ لو و همکاران، ۲۰۲۱؛ بورگر و کلینرت، ۲۰۲۱؛ آتالای و تانوا، ۲۰۲۲؛ سائولا و همکاران، ۲۰۲۳)، الهام کارآفرینانه (اوجیک و اوامر، ۲۰۱۶؛ احمد و همکاران، ۲۰۲۰؛ انگوئین و همکاران، ۲۰۲۱؛ ون اوجیک و همکاران، ۲۰۲۱؛ ویبو و نارمادیتا، ۲۰۲۲) و خلاقیت (وانگ و همکاران، ۲۰۲۲) راه‌یونینگسه، ۲۰۲۲؛ کومار و شوکلا، ۲۰۲۲؛ مهدی و سینگ، ۲۰۲۳؛ دیواتوی و همکاران، ۲۰۲۳؛ مارتینز و همکاران، ۲۰۲۳؛ انگوین و دو، ۲۰۲۳) هستند. از همین‌رو می‌توان گفت عناصر برنامه درسی مبتنی بر مهارت از جمله اهداف، محتوا و راهبردهای یاددهی و یادگیری، فعالیت‌های آموزشی، تجهیزات، زمان و فضا، گروه‌بندی و ارزشیابی، هرچند به شکلی غیرمستقیم، قادر بوده‌اند تاثیری معنادار بر نیت کارآفرینی دانشجویان داشته باشند. این مطالعه می‌تواند شواهدی از مطالعات قبلی را در تاکید بر نقش کیفیت برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها بر مقاصد ارادی انسان‌ها، مانند رفتارهای کارآفرینی تایید کند. شایسته توجه است که دانشگاه‌ها در ادامه ماموریت‌های آموزشی و پژوهشی خود، مسئولیت‌های جدیدی را در زمینه اقتصاد مبتنی بر دانش و رفع معضلات اقتصادی و توسعه صنعت بر عهده دارند. در همین راستا، عناصر برنامه درسی باید در جهت ایجاد شایستگی‌های لازم در دانش، نگرش و مهارت‌های مورد نیاز یک حیطة تخصصی و پرورش مهارت‌های عالی ذهنی دانشجویان سازمان‌دهی شوند و طرح‌ریزی برنامه‌های درسی میان‌رشته‌ای و مسئله‌محور و نیز ایجاد فرصت تجربه در محیط‌های یادگیری واقعی و ارزشیابی اصیل و سایر مولفه‌های مبتنی بر برنامه درسی می‌توانند بر پرورش نیت کارآفرینی موثر باشند. به علاوه ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی، همان‌طور که در نظریه

خودتعیین‌گری مطرح شده‌اند، می‌توانند تأثیری مستقیم بر نیت کارآفرینی داشته باشند و این نظریه می‌تواند توضیحاتی تکمیلی از فرآیندهای انگیزشی زیربنای رفتار کارآفرینانه ارائه دهد. احتمالاً خودتعیین‌گری و ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی، با کمک به کسب آگاهی فرد از نقاط قوت و ضعف خود و توانایی هدف‌گذاری و تعامل سازنده با دیگر افراد جامعه، انسان را قادر می‌سازد تا مستقلانه و بر مبنای منابع در دسترس و متناسب با توانایی‌های خویش تصمیم بگیرد. این فرد می‌تواند برای جامعه فردی مفید و مولد باشد و زمینه تحقق اهداف خود را فراهم سازد، بی آن‌که حقوق و اهداف دیگران را نادیده بگیرد. رفتار کارآفرینانه می‌تواند کاملاً متکی بر درک فرد از خود به عنوان فردی خودمختار و نیز ناشی از داشتن اعتماد به نفس و شایستگی برای انجام رفتار کارآفرینی باشد. این ارزش‌ها با تأثیرگذاری بر تفکر، ادراک، نگرش و نیت کارآفرینانه فرد، قادر خواهند بود انرژی و حس جهت‌گیری مورد نیاز برای تحقق اهداف بلندپروازانه و ماجراجویانه را در اختیار او قرار دهند و با ایجاد یک انگیزه درونی در فرد باعث - شوند تا فراتر از راه‌حل‌های آشکار و موجود به یک مشکل پیچیده فکر کند و تحمل بالایی در برابر ابهام داشته باشد. از دیگر سو، در مورد این‌که چرا الهام در کارآفرینی رخ می‌دهد؛ تراش و الیوت (۲۰۰۳) معتقد بودند که افراد زمانی‌که گشودگی بالایی نسبت به تجربه، تسلط بر کار و سطوح بالایی از خلاقیت داشته باشند، بیشتر الهام می‌گیرند. همچنین مشخص شده‌است که الهام با ترس از شکست و رقابت رابطه منفی دارد و نیز الهام با پردازش عقلانی و تجربی همبستگی مثبت دارد - یعنی هم ذهن و هم قلب یک فرد را درگیر می‌کند. بر همین اساس، فرض می‌شود که کارآفرینان احتمالاً اغلب با لحظات و رویدادهایی الهام‌بخش مواجه می‌شوند که این امکان شاید در این افراد بیشتر از دیگران باشد و همین الهامات کارآفرینانه افراد را قادر سازند تا فرصت‌های کارآفرینی را سریع‌تر و مؤثرتر به رسمیت بشناسند و از آن‌ها بهره‌برداری کنند (وارتیوارا و همکاران، ۲۰۱۹). به طور کلی اگر کارآفرینی الهام را تجربه کند، منجر به غنی‌سازی خود او و گسترش نیت کارآفرینانه در وی می‌شود.

همچنین خلاقیت یکی از ویژگی‌های بارز در کارآفرینی است و می‌توان گفت نیاز فرد به خودمختاری به عنوان یکی از مولفه‌های نیازهای بنیادین روان‌شناختی نیز یکی از شروط لازم برای خلاقیت است که به فرد این امکان را می‌دهد که بتواند به کاوش، کشف و تفکر خلاقانه در مورد چگونگی حل مشکلات پیچیده به روش‌های منحصر به فرد و خلاقانه و شناسایی و بهره‌گیری از فرصت‌های کارآفرینی بیاورد. به علاوه حمایت ادراک‌شده دانشجویان از خلاقیت در محیط‌های خانوادگی و دانشگاهی نیز، تأثیر مثبت معناداری بر نیت کارآفرینی آن‌ها داشته است و شاید بتوان انتظار داشت تا به عنوان مقدمه‌ای برای کارآفرینی در این دانشجویان قرار گیرد و با توجه به ارتباط آن با فرآیند شناخت فرصت، خلاقیت می‌تواند به عنوان یک عامل مرتبط برای نیت کارآفرینانه در نظر گرفته شود.

نهایتا با توجه به نتایج حاصل از مطالعه، پیشنهادات ذیل مطرح می‌گردد:

- به مربیان و سیاست‌گزاران برنامه درسی در نظام آموزش عالی پیشنهاد می‌شود با توجه به این که تفاوت‌های فردی به ویژه در حوزه سطوح خودتعیین‌گری دانشجویان می‌تواند بر الهام کارآفرینانه و خلاقیت آن‌ها و نهایتا بر نیت کارآفرینی در ایشان موثر باشد؛ انتخاب بهترین شکل آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها با توجه به تفاوت‌های فردی دانشجویان به ویژه در این زمینه، مورد توجه قرارگیرد تا همسان‌سازی آموزش‌ها با نیازهای گروه‌ها و جمعیت‌های خاص، بهره‌وری برخاسته از این قسم آموزش‌ها را افزایش دهد و به بهره‌گیری بهتر ایشان از انواع فردی یا گروهی و عمومی یا تخصصی این آموزش‌ها بیانجامد.
- باید توجه به ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی در افراد و پرورش خودتعیین‌گری در کودکان و نوجوانان از ابتدا مورد توجه قرار گیرد.
- دانشگاه‌ها می‌توانند با تاکید بر گزینش و پرورش دانشجویانی با سطوحی خاص از خودتعیین‌گری و تلاش در جهت الهام‌بخشی به این افراد در جهت تبدیل شدن به فردی کارآفرین و نیز پرورش خلاقیت‌های دانشجویان و ارائه آموزش‌های متناسب با هر یک از این سطوح؛ در زمینه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های کارآفرینانه خود گام بردارند و در حقیقت چنین مطالعاتی قادرند به اساتید، مدیران و سیاست‌گذاران کمک کنند تا فرهنگ حقیقی کارآفرینی را در دانشگاه‌های کشور نهادینه نمایند، چرا که امروزه اساتید می‌توانند علاوه بر توجه به نحوه آموزش‌های تخصصی و حرفه‌ای، چگونگی تاثیرگذاری و دگرگونی قلب و فکر دانشجویان را درتبدیل شدن به کارآفرینانی موفق مورد توجه قرار دهند.
- همچنین پیشنهاد می‌شود با توجه به تاثیر برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان در حوزه برنامه درسی بر نیت کارآفرینی دانشجویان در سیستم آموزش عالی، اهداف اشتغال‌پذیری و کارآفرین‌پروری آینده دانشجویان بیش از پیش مورد توجه سیاست‌گذاران و مسئولان این حوزه قرار گیرد و علاوه بر محتوای دروس، امکانات و تجهیزات و فضا و مکان و شیوه ارائه مباحث در دانشگاه‌ها نیز در جهت جذب دانشجویان به مباحث کارآفرینانه مدنظر باشد.
- با توجه به این‌که مطالعه در جامعه سه دانشکده از دانشگاه سراسری ارومیه بود و هرچند این جامعه به علت اهمیتی انتخاب شد که در آن‌ها به کارآفرینی و آموزش‌های مهارتی آینده این دانشجویان داده می‌شد؛ اما باید در تعمیم نتایج جانب احتیاط رعایت شود و به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود تا با گسترش جامعه مورد مطالعه و نیز با مطالعه سیستماتیک متغیرهای دیگری که می‌توانند بر نیت کارآفرینی و تاثیرات

تأثیر کیفیت برنامه درسی و خودتعیین‌گری...

نظام‌های آموزشی بر گسترش آن موثر باشند، بر اعتبار و قابلیت تعمیم چنین نتایجی بیافزایند.

سپاسگزاری

از کلیه کارکنان، اساتید و دانشجویان محترم دانشگاه سراسری ارومیه که در این پژوهش شرکت یا در اجرای هرچه بهتر آن همراهی نموده‌اند، قدردانی می‌شود.



Ahmed, T., Chandran, V. G. R., Klobas, J. E., Lin~an, F., & Kokkalis, P. (2020). Entrepreneurship education programmes: How learning, inspiration and resources affect intentions for new venture creation in a developing economy. *International Journal of Management in Education*, 18(1), 10–32.

Al-Jubari, I. (2019). College students' entrepreneurial intention: Testing an integrated model of SDT and TPB. *Sage Open*, 9(2), 2158244019853467.

Al-Jubari, I., Hassan, A., & Liñán, F. (2019). Entrepreneurial intention among University students in Malaysia: integrating self-determination theory and the theory of planned behavior. *International entrepreneurship and management journal*, 15(4), 1323-1342.

Atalay, I., & Tanova, C. (2022). Opportunity entrepreneurship and subjective wellbeing: The role of psychological functioning. Does individualism change this relationship? *Applied Research in Quality of Life*, 17(3), 1247-1267.

Bécharard, J. P., & Grégoire, D. (2005). Entrepreneurship education research revisited: The case of higher education. *Academy of management learning & education*, 4(1), 22-43.

Besharat, m. a. (2012). Psychometric properties of a Farsi version of the Basic Needs Satisfaction in General Scale in a sample of Iranian population. *Journal of Psychological Sciences*, 41(4), 6-24. [In Persian].

Brown, J. L., Hammer, S. J., Perera, H. N., & McIlveen, P. (2022). Relations between graduates' learning experiences and employment outcomes: A cautionary note for institutional performance indicators. *International Journal for Educational and Vocational Guidance*, 22(1), 137-156.

Bürger, T., & Kleinert, S. (2021). Crowdfunding cultural and commercial entrepreneurs: an empirical study on motivation in distinct backer communities. *Small Business Economics*, 57(2), 667-683.

Cohen, J. (1988). *Statistical power analysis for the behavioral sciences*, Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.

Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological inquiry*, 11(4), 227-268.

Diawati, P., Ausat, A. M. A., & Augustin, J. (2023). Creativity: how to develop an entrepreneurial attitude of creativity. *Journal on Education*, 5(4), 11116-11122.

DiLiello, T. C., & Houghton, J. D. (2008). Creative potential and practised creativity: Identifying untapped creativity in organizations. *Creativity and Innovation Management*, 17(1), 37-46.

Djubaedi, D., Rohadi, T., & Kodama, Y. (2023). Core entrepreneurial competencies for local content curriculum. *International Journal of Educational Qualitative Quantitative Research*, 2(1), 12-17.

Duong, C. D. (2023). Applying the stimulus-organism-response theory to investigate determinants of students' social entrepreneurship: moderation role of perceived university support. *Social Enterprise Journal*.

Eid, R., Badewi, A., Selim, H., & El-Gohary, H. (2019). Integrating and extending competing intention models to understand the entrepreneurial intention of senior university students. *Education+ Training*.

Elliott, C., Mavriplis, C., & Anis, H. (2020). An entrepreneurship education and peer mentoring program for women in STEM: mentors' experiences and perceptions of entrepreneurial self-efficacy and intent. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 16(1), 43-67.

Ewijk, A. V., & Aomar, R. A. (2016). Inspiration, self-awareness and entrepreneurial intentions: A mixed-method case study of postgraduate engineering students in the UAE.

Ferreira-Neto, M. N., de Carvalho Castro, J. L., de Sousa-Filho, J. M., & de Souza Lessa, B. (2023). The role of self-efficacy, entrepreneurial passion, and creativity in developing entrepreneurial intentions. *Frontiers in Psychology*, 14, 1134618.

foolady, A., Rahmani, J., & keshtiaray, N. (2020). Explaining the concept of transformational curriculum in view of its application in developing creativity of students in Iranian educational system. *Journal of Research in Educational Science*, 14(49), 125-140.

Gagné, M. (2003). The role of autonomy support and autonomy orientation in prosocial behavior engagement. *Motivation and emotion*, 27, 199-223.

Grace, D., Weaven, S., Bodey, K., Ross, M., & Weaven, K. (2012). Putting student evaluations into perspective: The course experience quality and satisfaction model (CEQS). *Studies in Educational Evaluation*, 38(2), 35-43.

Henseler, J., & Sarstedt, M. (2013). Goodness-of-fit indices for partial least squares path modeling. *Computational statistics*, 28, 565-580.

Henseler, J., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2015). A new criterion for assessing discriminant validity in variance-based structural equation modeling. *Journal of the academy of marketing science*, 43, 115-135.

Ibrahim, A. B., & Soufani, K. (2002). *Entrepreneurship education and training in Canada: a critical assessment*. Education+ training.

Iqbal, J., Yi, X., Ashraf, M. A., Chen, R., Ning, J., Perveen, S., & Imran, Z. (2022). How curriculum delivery translates into entrepreneurial skills: The mediating role of knowledge of information and communication technology. *Plos one*, 17(5), e0265880.

Kumar, R., & Shukla, S. (2022). Creativity, proactive personality and entrepreneurial intentions: examining the mediating role of entrepreneurial self-efficacy. *Global Business Review*, 23(1), 101-118.

Liñán, F., & Chen, Y. W. (2009). Development and cross-cultural application of a specific instrument to measure entrepreneurial intentions. *Entrepreneurship theory and practice*, 33(3), 593-617.

Lu, I. R., Kwan, E., Heslop, L. A., Brouard, F., & Isabelle, D. A. (2021). Entrepreneurial motivation in university business students: A latent profile analysis based on Self-determination Theory. *Entrepreneurship Research Journal*.

Mahboubi, T., Karimi, S. b. A., & Mehboobi, K. (2017). Investigating the relationship between hidden curriculum and motivational beliefs and entrepreneurship of Payam Noor University students. *Research in school and virtual learning*, 3(59), 101-109. [In persian].

Martins, C. S. (2023). Making creative and entrepreneurial selves in education: The governing of life in contemporary time. In *Cultural Sustainability and Arts Education: International Perspectives on the Aesthetics of Transformation* (pp. 79-95). Singapore: Springer Nature Singapore.

Mehdi, S. A., & Singh, L. B. (2023). Linking entrepreneurial orientation dimensions to entrepreneurial intention: Role of openness to experience as a mediating variable. In *Transformation for Sustainable Business and Management Practices: Exploring the Spectrum of Industry 5.0* (pp. 247-266). Emerald Publishing Limited.

Moemeke, C. D. (2013). Innovating science education for technical entrepreneurship: The curriculum dimension. *Business & Entrepreneurship Journal*, 2(2), 39-46.

Mohammad Shafi, M., Nistani, M. Z., Mirshah-Jaafari, S. A., & Taqvai, V. (2020). Evaluation of curriculum quality in skill training; Case study: Shariati Technical and Vocational College of Architecture, Tehran. *New Educational Approaches*, 15(1), 79-102. [In persian].

Monavarifard, F., Movahed Mohammadi, s.h., & Rezvanfar, A. (2019). Analyzing effects of curriculum components on entrepreneurial-spirit of students, case study: Higher Education Applied Science centers in Alborz province. *Entrepreneurial research approaches to agriculture*, 2, 2(6), 1-14. [In persian].

Moradi, M. A., Zali, M. R., & Parnian, R. (2015). The effect of social capital on entrepreneurial intention: The Case of MA students of the School of Electrical and Computer Engineering of Tehran University. *Journal of Entrepreneurship Development*, 8(1), 1-19.

Nguyen, T. T., & Do, D. N. (2023). Teaching for creativity and entrepreneurial intentions: an empirical study. *Journal of Entrepreneurship in Emerging Economies*, 15(4), 766-785.

Nguyen, T. T., Nguyen, L. T. P., Phan, H. T. T., & Vu, A. T. (2021). Impact of entrepreneurship extracurricular activities and inspiration on entrepreneurial intention: mediator and moderator effect. *SAGE Open*, 11(3), 21582440211032174.

Nielsen, S. L., Klyver, K., Evald, M. R., & Bager, T. (2021). Entrepreneurship in theory and practice: Paradoxes in Play. *Edward Elgar Publishing*.

Oleynick, V. C., Thrash, T. M., LeFev, M. C., Moldovan, E. G., & Kieffaber, P. D. (2014). The scientific study of inspiration in the creative process: Challenges and opportunities. *Frontiers in human neuroscience*, 8, 436.

Olumuyiwa, O. A., Kimweli, K. M., & Modise, M. A. (2023). Comparative Factors Influencing Entrepreneurial Skills Acquisition amongst Students in Rural Universities of Sub-Sahara Africa's Developing Nations. *Education Sciences*, 13(3), 229.

Oreku, G. S. (2023). Deployment of computer science curriculum: does that translate into entrepreneurial skills? Mediating from ICT Role. *Journal of Education and Development*, 7(1), 11.

Pathak, S., & Goltz, S. (2021). An emotional intelligence model of entrepreneurial coping strategies. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 27(4), 911-943.

Rahayuningsih, T. (2022). Effectiveness of entrepreneur education for entrepreneurial intention through creativity and entrepreneurial self-efficacy. In *4th International Conference on Educational Development and Quality Assurance (ICED-QA 2021)* (pp. 347-351). Atlantis Press.

Rebollo, F. V., & Ivars Baidal, J. A. (2004). Sustainability indicators in Spanish tourism. Plicy, University of Alicante.

Ridley, D., Davis, B., & Korovyakovskaya, I. (2017). Entrepreneurial mindset and the university curriculum. *Journal of higher education theory and practice*, 17(2), 79.

Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2017). *Self-determination theory: Basic psychological needs in motivation, development, and wellness*. Guilford Publications.

Saoula, O., Shamim, A., Ahmad, M. J., & Abid, M. F. (2023). Do entrepreneurial self-efficacy, entrepreneurial motivation, and family support enhance entrepreneurial intention? The mediating role of entrepreneurial education. *Asia Pacific Journal of Innovation and Entrepreneurship*, (ahead-of-print).

Sentosa, I., Rashid, A. Z. A., Hizam, S. M., & Hawariyuni, W. (2017). An empirical study on the internet usage among young creative entrepreneurs in Malaysia: A structural equation modeling approach. *Proceedings of AICS-Social Sciences*, 7, 447-456.

Shakiba, H., Rajabian Gharib, F., & Hejazi, Y. (2015). Relation between creativity and entrepreneurial intentions (Case study: Agricultural students, University of Tehran). *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 46(1), 83-93. doi: 10.22059/ijaedr.2015.54482

Sivarajah, K., & Achchuthan, S. (2013). Entrepreneurial intention among undergraduates: Review of literature. *European Journal of Business and Management*, 5(5), 172-186.

Sokhtanlu, M. (2015). Analysis of the effectiveness of the agricultural higher education system on developing entrepreneurial skills from the point of view of agricultural graduate students (case study: Mohaghegh Ardabili University). *Entrepreneurship strategies in agriculture*, 3(6), 34-43. [In persian].

Souitaris, V., Zerbinati, S., & Al-Laham, A. (2007). Do entrepreneurship programmes raise entrepreneurial intention of science and engineering students? The effect of learning, inspiration and resources. *Journal of Business venturing*, 22(4), 566-591.

Taatila, V. P. (2010). Learning entrepreneurship in higher education. *Education+ training*.

Thrash, T. M., Elliot, A. J., Maruskin, L. A., & Cassidy, S. E. (2010). Inspiration and the promotion of well-being: tests of causality and mediation. *Journal of personality and social psychology*, 98(3), 488.

Turkzadeh, J., Marzooqi, R. A., Mohammadi, M., Salmi, Q., and Khazuri, F. (2016). Elaboration of evaluation framework of higher education curricula based on strategic approach. *Journal of Planning Research*, 6 (21), 41-64. [In persian].

Van Ewijk, A. R., Nabi, G., & Weber, W. (2021). The provenance and effects of entrepreneurial inspiration. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*.

Wang, C., Mundorf, N., & Salzarulo-McGuigan, A. (2022). Entrepreneurship education enhances entrepreneurial creativity: The mediating role of entrepreneurial inspiration. *The International Journal of Management Education*, 20(2), 100570.

Wartiovaara, M., Lahti, T., & Wincent, J. (2019). The role of inspiration in entrepreneurship: Theory and the future research agenda. *Journal of Business Research*, 101, 548-554.

Wibowo, A., & Narmaditya, B. S. (2022). Predicting students' digital entrepreneurial intention: The mediating role of knowledge and inspiration. *Dinamika Pendidikan*, 17(1), 25-36.

Yamani Douzi Sorkhabi, M. (2012). Quality in higher education, Tehran. *Samt Publishers*. [In persian].

Yao, Y. (2019). Does higher education expansion enhance productivity? *Journal of Macroeconomics*, 59, 169-194.

Zampetakis, L. A., & Moustakis, V. (2006). Linking creativity with entrepreneurial intentions: A structural approach. *The International Entrepreneurship and Management Journal*, 2(3), 413-428.

Zampetakis, L. A., Gotsi, M., Andriopoulos, C., & Moustakis, V. (2011). Creativity and entrepreneurial intention in young people: Empirical insights

تأثیر کیفیت برنامه درسی و خودتعیین‌گری...

from business school students. *The International Journal of Entrepreneurship and Innovation*, 12(3), 189-199.

Zimmer, W. K., & Keiper, P. (2021). Redesigning curriculum at the higher education level: challenges and successes within a sport management program. *Educational Action Research*, 29(2), 276-291.

